

**Methodological and Content Criticism of Supposition of the
Context of Thematic Units (*Rukū'āt*) in the Process of
Understanding the Holy Qur'an
(With an Emphasis on the Viewpoint of the Late Lisānī Fashārakī)**

Fatemeh Sadat Hashemi Zou¹

Abbas Esma'ilizadeh²

Gholamreza Raeisian³

Abstract

Over the past decades, due to the Islamic Republic's support for public education in the interpretation and contemplation of the Holy Qur'an and efforts to foster Qur'anic culture, many people who were concerned for the interpretation have made attempts and provided methods for people's understanding and benefitting from the guidance of the Holy Qur'an. One of the most extensive of these activities is the contemplation on thematic research presented by the late Lisānī Fashārakī, and many enthusiasts have turned to this field. However, the method that this Qur'an scholar has presented for determining the context is a textual and unreliable method that cannot be the basis for determining the context. He has based determining the context on the thematic units (*rukū'āt*) that was used for *tarāwīḥ* prayers in the first century AH. Using two axes of methodological and content criticism, this research introduces the basis for the context of *rukū'āt* as an obvious flaw in the process of understanding, both in terms of method and objectively and in terms of content, in understanding Sūrat al-Furqān, and presents the use of thematic unity as a working procedure for determining the context, which can lead to the dynamics of interpretation.

Keywords: understanding the Qur'an, thematic units (*rukū'āt*), Lisānī Fashārakī, context, *tarāwīḥ* prayer.

1. Ph.D. Student in Qur'an and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ferdowsi University of Mashhad.

2. (Corresponding Author) Associate Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ferdowsi University of Mashhad.

3. Associate Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ferdowsi University of Mashhad.



نقد روشی و محتوایی انگاره سیاق رکوعات در فرایند فهم قرآن کریم

(با تأکید بر دیدگاه مرحوم لسانی فشارکی)*

فاطمه سادات هاشمی زو^۱

عباس اسماعیلی زاده^۲

غلامرضا رئیسیان^۳

چکیده:

در طول دهه‌های گذشته، به دلیل حمایت جمهوری اسلامی از آموزش همگانی تفسیر و تدبر قرآن کریم و تلاش در توسعه فرهنگ قرآنی، بسیاری از دغدغه‌مندان عرصه تفسیر، کوشش‌ها و روش‌هایی را برای فهم و بهره‌مندی مردم از هدایت‌گری قرآن کریم ارائه کردند. یکی از گسترده‌ترین این فعالیت‌ها، تدبر و یا تحقیق موضوعی است که توسط مرحوم لسانی فشارکی ارائه شده و علاقمندان بسیاری به این حوزه روی آورده‌اند. اما روشی که این قرآن‌پژوه برای تعیین سیاق ارائه کرده، روشی نقلی و غیر معتبر است که نمی‌تواند مبنای تعیین سیاق قرار گیرد. وی مبنای تعیین سیاق را رکوعاتی قرار داده که در سده نخست هجری، برای نماز تراویح استفاده می‌شده است. این پژوهش با استفاده از دو محور نقد روشی و محتوایی، مبنای سیاق رکوعات را به‌عنوان یک خطای آشکار در فرایند فهم؛ چه از نظر روش و چه به‌صورت عینی و از جهت محتوا، در فهم سوره فرقان معرفی کرده و استفاده از وحدت موضوعی را راهکاری برای تعیین سیاق ارائه می‌کند که می‌تواند منجر به پویایی تفسیر گردد.

کلیدواژه‌ها:

فهم قرآن، رکوعات، لسانی فشارکی، سیاق، نماز تراویح.



* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۵، تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۱/۲۷.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2024.68025.3910

۱- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد

fatmhhashmy1357@gmail.com

۲- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

esmaelizadeh@um.ac.ir

۳- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد

raeisian42@yahoo.com

بیان مسأله

یکی از ابتدایی‌ترین مقدمات امر تفسیر، تقسیم‌بندی و تشخیص سیاق در فرایند تفسیر یا تدبر ترتیبی و یا موضوعی است. (عموش، ۲۰۰۵: ۱۲۹) روش‌های مختلفی برای تقسیم‌بندی آیات در سوره‌ها، از نخستین تفاسیر قرآن کریم تا تفاسیر متأخر وجود داشته است. ولی امروزه باتوجه به اهمیت ظواهر الفاظ و توجه به مسأله سیاق، تقسیم‌بندی بر مبنای سیاق، یکی از رایج‌ترین روش‌ها در میان مفسران و متدبران قرآنی است. (محمد ابوموسی، ۱۹۹۸: ۳۲۲) در این میان، مرحوم لسانی فشارکی با استفاده از رکوعات قرآنی، در روش تدبر و تحقیق موضوعی در قرآن، تلاش کرده است یافتن سیاق برای قرآن‌پژوهان را تسهیل نماید. (حسینی گلکار و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۸-۱۰۰) البته به نظر می‌رسد در نظر گرفتن رکوعات، به عنوان تنها مبنای تشخیص سیاق، به جهت توقیفی بودن محل اشکال است. در این پژوهش تلاش بر این است که به این پرسش‌ها پاسخ داده شود:

- ۱- خاستگاه تاریخی سیاق رکوعات به چه صورت قابل تبیین است؟
- ۲- دلایل مرحوم لسانی فشارکی بر اعتبار سیاق رکوعات چیست و چه نقدی بر آن وارد است؟
- ۳- چه نقد روشی و محتوایی به این روش در تعیین سیاق در فرایند فهم قرآن کریم وارد است؟
- ۴- کارآمدی یا عدم کارآمدی این روش تقسیم‌بندی با مقایسه سایر روش‌های تعیین سیاق، به صورت عینی به چه شکل قابل تبیین است؟

روش پژوهش

در این پژوهش برای نقد این مبنای مهم در تعیین سیاق، از دو روش نقد روشی و محتوایی استفاده می‌شود. در آسیب‌شناسی روشی، به نقد و بررسی روشی دیدگاه قائلان به مبنای رکوعات برای رسیدن به اصل اعتبار رکوعات در تعیین سیاق پرداخته می‌شود؛ یعنی اصل مبنا قرارگرفتن رکوعات از جهت روشی نقد می‌گردد و در بخش دیگر، با استفاده از روش نقد محتوایی، نتایج و داده‌های این سیاق رکوعات مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ زیرا مهم‌ترین و حساس‌ترین نوع و هسته مرکزی نقد، نقد محتوایی است. این ارزیابی و نقد، با مطالعه تطبیقی و مقایسه سیاق رکوعات با سیاق موضوعی صورت می‌گیرد، تا با مقایسه با روش مورد اعتماد مفسران، بتوان آسیب‌زا بودن این روش را تبیین کرد.



پیشینه پژوهش

برخی روش تحقیق موضوعی مرحوم لسانی فشارکی را از جهت عدم رعایت مقدمات، زمینه‌ساز پروتستانیزم و التقاط‌گرایی دانسته و آن را از جهت جزئی‌نگری مورد نقد قرار داده‌اند. (حسینی گلکار و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۸-۱۰۰) همچنین مقاله‌هایی مانند «گونه‌شناسی ساختار آیات در رکوعات قرآنی» (زارع زردینی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۳-۹۴)، «بررسی ابعاد کارکردی زیبایی‌شناختی و ادبی پاراگراف‌بندی متن قرآن کریم» (توکلی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۳-۶۳)، «رکوعات قرآنی؛ از پیشینه تاریخی تا کاربردها در فرهنگ اسلامی» (توران‌پشتی و همکاران، ۱۴۰۰: ۸۷-۱۰۸) در ارتباط با موضوعات سیاق رکوعات نگاشته شده است. در پژوهش‌های انجام شده، این تقسیم‌بندی در کنار سایر تقسیم‌بندی‌ها، به‌عنوان مبنایی برای سیاق پذیرفته شده است. اما تا کنون، آسیب‌شناسی روشی و محتوایی نسبت به سیاق رکوعات در فرایند فهم قرآن صورت نگرفته است.

۱. مفهوم شناسی رکوعات

«رکوعات» جمع مؤنث سالم کلمه «رکوع» است. «رکوع» در لغت از ماده «رکع»، به‌معنای خضوع (به نقل از ثعلب) و انحناست. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۳۳/۸) برای اصطلاح رکوعات، معانی مختلفی ارائه شده است. مانند:

۱- «به گروهی از آیات که پس از سوره اخلاص در نمازهای تراویح یا یومیه خوانده می‌شود و پس از اتمام آن، نمازگزار به رکوع می‌رود، رکوعات گفته شده است.» (حریری، ۱۳۸۴: ۱۶۱؛ خرمشاهی، ۱۳۸۲: ۹۶)

۲- یک اصطلاح مربوط به تقسیم‌بندی آیات و اصطلاحی در علوم قرآن است. این تقسیم‌بندی در برخی مصاحف سرزمین‌های مشرق اسلامی، مثل هند و پاکستان دیده می‌شود و در مصاحف کشورهای اسلامی غربی، مانند عربستان، حجاز و ... وجود ندارد. (مستفید، ۱۳۸۴: ۴۰)

۳- «رکوعات عبارت است از هر رکوعی که بعد از تمام‌شدن قصه یا یک کلام، صورت می‌گرفته است.» (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲: ۱۶/۱)

همان‌طور که از مطالعه تعاریف بالا روشن می‌گردد، برخی رکوعات را نام عمل رکوع و برخی نام بخشی از آیات دانسته‌اند. بیشتر قرآن‌پژوهان آن را مرتبط با رکوع و قرائت بخشی از سوره که دارای حجم معین است، دانسته‌اند و همین را به‌عنوان ملاک در تعریف

رکوعات لحاظ کرده‌اند. ولی آنچه روشن است، از باب مجاز، نام عمل رکوع به بخشی از آیات اطلاق شده است. اینکه برخی قرآن‌پژوهان، قرآن را مشتمل بر ۵۴۰ یا ۵۵۷ رکوع دانسته‌اند، نشانگر آن است که پس از استفاده از این تقسیم‌بندی آیات در نماز، به‌صورت مجازی، این نام بر بخش‌های نامبرده اطلاق شده است. (سرخسی، ۱۴۰۶: ۱۴۶/۲؛ حریری، ۱۳۸۴: ۱۶۲؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲: ۱۶/۱) باید توجه داشت هیچ کس این اصطلاح را مربوط به تفسیر، مانند سیاق یا مقام ندانسته است.

۲. خاستگاه تاریخی رکوعات

خاستگاه تاریخی رکوعات قرآن، بنا بر آنچه در متون تاریخی نقل شده، نماز تراویح است. نمازی که عمر بن خطاب، در راستای سیاست قرآن‌بستگی وضع نمود (عاملی، ۱۴۲۰: ۱۶۵/۱۵؛ نووی، ۱۹۸۷: ۱۵۵/۶)^۱ و در آن، بخش‌هایی از قرآن کریم بعد از قرائت حمد خوانده می‌شد و هدف از آن، ختم قرآن در ماه رمضان بود. این سیاست برای محافظت بر نص قرآن کریم و مصحف عثمانی و نهی از نقل سنت نبوی، در زمان حجاج، با جدیت پیگیری شد. حجاج قرآن را برای ختم در نماز تراویح به ۲۷ جزء تقسیم کرد و امام جماعت آن را مشخص می‌کرد. (اندلسی، ۱۴۲۳: ۲۲۳/۲؛ زیلعی، ۱۴۱۸: ۳۰۴/۲) نخستین بار، گزارش از قرائت قرآن طبق رکوعات، در آثار شاگردان ابوحنیفه نظیر سرخسی، کاشانی و ... دیده می‌شود. (سرخسی، ۱۴۰۶: ۱۴۴/۲) سرخسی و کاشانی، پیدایش رکوعات را چنین تبیین می‌کنند: «اصل آن از روایتی است که از عمر نقل شده است که او سه نفر از قاریان امام جماعت را فرا خواند و به یکی امر کرد در هر رکعت ۳۰ آیه و دیگری ۲۵ آیه و دیگری ۲۰ آیه بخوانند ... قاضی عمادالدین، نخستین بار قرآن را بر مبنای ۵۴۰ رکوع قرار داد.» (کاشانی، ۱۴۰۹: ۲۸۹/۱؛ سرخسی، ۱۴۱۴: ۱۴۶/۲) ازاین‌رو، رکوعات نزد اصحاب رأی، به‌ویژه حنفی‌ها، به‌صورت یک روش قطعی پیگیری می‌شد، تا آنجا که علامت آن در مصاحف ایشان نیز ثبت می‌شده است. (مستفید، ۱۳۸۴: ۱۶) ازاین‌رو، برخی پیدایش رکوعات را مربوط به دوره تابعان دانسته‌اند. (دیوبندی، ۱۳۸۵: ۲۹/۱)

از مطالب مطرح‌شده چند نکته به‌دست می‌آید:

نخست: تقسیم‌بندی قرآن به رکوعات، برای قرائت در نماز تراویح و در راستای اجرایی شدن بدعت قرآن‌بستگی و تأکید بر حفظ نص قرآن بوده است. (باقری، ۲۰۰۷:



دوم: علت اهمیت یافتن آن، دقت و صحت تبویب موضوعی و یا سیاق سور و آیات نبوده است، بلکه حمایت سیاسی عمر بن خطاب و حکام اموی از این روش قرائت قرآن، برای رسمی ساختن مصاحف عثمانی بوده است؛ زیرا وی نماز تراویح را مانند نماز واجب، به جماعت می خواند. (سغدی حنفی، ۱۴۰۴: ۱۰۶) برخی چنان در این مسیر افراط نموده اند که حتی اقامه آن را بر نماز واجب، مانند نماز آیات که واجب فوری است، مقدم داشته اند! (جماعیلی، بی تا: ۲۸۱/۲)

سوم: این روش در میان بیشتر مسلمانان و مفسران جایگاهی در فرایند فهم قرآن نداشته و تنها نزد اصحاب رأی که با حکام اموی، از نظر فکری و اندیشه قرآن بسندگی همسو و هم جهت بوده اند، مورد قبول واقع شده است. (شهرستانی، ۱۴۲۰: ۱۷۱/۲؛ طبسی، ۱۴۲۹: ۱۶۹)

در مطالعه تطبیقی و تاریخی درباره رکوعات، پژوهشگر معاصر مستندات جالبی ارائه می کند که حتی احتمال اقتباس تقسیم بندی به رکوعات برای نماز تراویح از منابع یهودی و مسیحی و تقسیم بندی کتاب مقدس به «پاراشا» یا «سرها» را برای ختم قرائت سالانه تقویت می کند. (توران پشته، ۱۴۰۰: ۸۷-۱۰۸)

۳. تاریخچه معرفی رکوعات قرآن به عنوان سیاق

باید توجه داشت برخلاف آنچه در ترویج رکوعات قرآن در صدر اسلام گفته شد، اما حتی کسانی که مروج رکوعات بوده اند، آن را به عنوان سیاق معرفی نکرده اند و این کشف، یعنی مبنا قراردادن رکوعات برای تعیین سیاق سور، ظاهراً نخستین بار از جانب حمدالله جان داجوی، از دانشمندان اهل سنت حنفی، با عنوان ارتباط سور (مظهري، ۱۴۱۸: ۲)، و بعد تنها توسط قرآن پژوهان معاصر ایرانی، یعنی لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، با عنوان مبنای تعیین سیاق مطرح شده است. (زارع دینی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۳-۹۴) پیش از این، تعیین رکوعات با علامت «ع» در یک مصحف هندی برای نماز مطرح شده بود. باید توجه داشت، تقسیم بندی قرآن کریم به سیاق رکوعات توسط مرحوم لسانی فشارکی، کاملاً منطبق با کتاب رکوعات حمدالله جان داجوی و مصاحف هندی و پاکستانی حنفیان است.

۴. نقد و بررسی ادله مرحوم لسانی فشارکی در سیاق رکوعات

۴-۱. روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

مرحوم لسانی فشارکی، رکوعات را به جهت روایات منسوب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مبنایی توقیفی برای وحدت موضوعی آیات به شمار آورده است. او در این باره چنین می گوید: «قرآن کریم، بر حسب تعلیم نبی اکرم صلی الله علیه و آله، به ۵۵۵ واحد موضوعی تقسیم می شود. سبب این موضوع، تعلیم رسول اکرم صلی الله علیه و آله است که بعد قرائت سوره حمد، در دو رکعت اول و دوم، گاه سور کوتاه و بیشتر اوقات یکی از این رکوعات را در نماز می خوانده است، سپس رکوع می رفته است.» بنابراین مرحوم لسانی، مبنای وحدت موضوعی رکوعات را روایات منسوب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دانسته است. (لسانی، ۱۴۳۶: ۷۴)

نقد

این دلیل مرحوم لسانی از جهات مختلفی دارای اشکال است که در اینجا فقط از جهت اعتبار نقلی مورد بررسی قرار می گیرد.

۱- هیچ مستند قطعی اتصال این رکوعات را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشان نمی دهد، بلکه مورخان این نسبت را در منابع بعدی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رد کرده اند؛ زیرا آنچه به پیامبر نسبت داده شده، خواندن نماز نافله در ماه مبارک رمضان بوده است (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۱۵۰/۷؛ غضنفری، ۱۳۸۸: ۴۰۵) که غزالی و قاضی ابوطیب نخستین بار، آن را حمل بر نماز تراویح نمودند. (تنکابنی، ۱۴۱۹: ۲۴۲) باید توجه داشت غالب بدعت های خلفای ثلاثه، از جمله منع از کتابت حدیث، استفاده از رأی در استنباط فقهی، تحریم متعه، غسل پا در وضو و ... به دلیل اعتراض شیعه در قرن دوم و سوم هجری، به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مستند شده است که از آن تعبیر به رشد واورنه سند یا «التمو العکسی للاسناد» می شود (حمودی، ۲۰۱۴: ۴۴)؛ یعنی در منابع حدیثی نخستین، یک حکم فقهی که بدعت بوده، به صحابه نسبت داده شده است، ولی در قرن های بعد به جهت اعتراضات شیعه و از بین رفتن سلطه سیاسی خلفای ثلاثه و حکام اموی، این احکام به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت داده می شد. (سبحانی، ۱۴۱۶: ۳۰۹؛ حسینی میلانی، ۱۴۱۴: ۱۴۵/۱۲) ابن شهاب زهری، کسی است که ادعای اقامه نماز تراویح توسط رسول اکرم صلی الله علیه و آله را نموده که رجالیان بر ضعف وی تصریح کرده اند. (سبحانی، ۱۴۲۳: ۱۴۰/۱)



۲- باتوجه به اعتراض اهل بیت علیهم السلام به ویژه امام علی علیه السلام به نماز تراویح (هلالی، ۱۴۰۵: ۷۲۲/۲)، اگر نماز تراویح و تقسیم بندی رکوعات مورد تأیید رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بود، لازم بود هنگام صدور اعتراض و انکار از جانب امام علی علیه السلام نسبت به صلاة تراویح، اهل سنت به سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم استناد می کردند. عدم استناد به سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و فریاد «واه عمراه» از جانب مسلمانان هنگام انکار امام علی علیه السلام، نشانگر آن است که روایاتی که این تأیید نماز تراویح را به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نسبت داده اند، مانند بسیاری بدعت های دیگر که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز نسبت داده شده، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم صادر نشده، بلکه بدعت همان خلیفه دوم بوده است.

۳- رکوعات از بدعت های عمر بن خطاب و خلفای اموی، در راستای اجرای سیاست دینی قرآن بسندگی و مرتبط با قرائت نماز تراویح بوده و مبنای دیگری نداشته و ائمه شیعه علیهم السلام به شدت در مقابل آن ایستادگی کرده و هرگز آن را تأیید نکرده اند. (سبحانی، ۱۴۲۳: ۴۲۱/۱؛ باقری، ۱۴۲۷: ۱۳)

۴- بر فرض صحت، این روایات مربوط به نماز تراویح است و هیچ مستندی از رعایت رکوعات مورد ادعای مرحوم لسانی در نماز تراویح توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وجود ندارد. ۵- اگر هم فرض شود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از رکوعات استفاده ای کرده، باز این قرائت مربوط به نماز بوده است، هیچ قرینه ای برای تفسیر قرآن کریم بر مبنای رکوعات در روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یا ائمه اهل بیت علیهم السلام به عنوان حافظان سنت نبوی وجود ندارد.

۶- تقید به این رکوعات حتی در نماز تراویح، طبق دیدگاه فقهای حنفی، لازم نیست. بنابراین به طریق اولی، این رکوعات صلاحیت مبنا قرار گرفتن برای تعیین سیاق را ندارد؛ «أما الركوعات التي في بعض المصاحف فلا يلزم التقيد بها». (ابن جبرین، بی تا: ۲۰/۲۴)

۷- هیچ دلیلی وجود ندارد رکوعاتی که مرحوم لسانی فشارکی، بر اساس مصاحف پاکستانی حنفی ارائه کرده، همان رکوعاتی باشد که در قرن اول هجری خوانده می شده است.

۴-۲. ادعای شهرت و تواتر رکوعات

مرحوم لسانی در ادامه استدلال خود در سیاق رکوعات چنین می گوید: «این مسئله در بین مردم در حد درجه تواتر، مشهور بوده است. در حدی که نیازی به تبیین مصادر علمی آن در بین مسلمانان و در کتب علوم قرآن نبوده است و از صدر اسلام این امری متواتر و رایج بوده است.» (لسانی، ۱۴۳۵: ۷۵)

ادعای تواتر برای اعتبار سیاق رکوعات، ادعایی شگفت‌انگیز است. احتمالاً منظور ایشان از تواتر، تواتر معنوی بوده است. خبر متواتر، خبری علم‌آور است (شریف مرتضی، ۱۴۰۵: ۱۰/۱)، اما دارای شرایطی است که درباره رکوعات، غیر قابل اثبات است. اگر منظور از تواتر روایات رکوعات، تواتر روایات منسوب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است، این اخبار حتی حائز شرایط صحت خبر نیست و روایت مرسل و ضعیف و غیر مصرح بر مدعای مرحوم لسانی است، چه برسد به تواتر! به نظر می‌رسد منظور مرحوم لسانی از ادعای تواتر، مربوط به اخبار رکوعات منسوب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیست، بلکه عمل به رکوعات در قرائت نماز در سیره مسلمانان است که این تواتر و شهرت، حتی بر فرض وجود در میان گروهی از مسلمانان، به جهت عدم اثبات انتساب به معصومان علیهم السلام، فاقد اعتبار و امضای شرعی برای شیعه است. (شهید ثانی، ۱۴۲۰: ۲۰۱) مرحوم لسانی فشارکی نبود بحث رکوعات در کتب علوم قرآن را دلیلی بر تواتر این امر دانسته، درحالی که خبر متواتر و علم حاصل از آن، یک علم یقینی و غیر قابل کتمان و یا از بین رفتن است. (محقق حلی، ۱۴۲۱: ۲۲۹) مرحوم لسانی دلیل فراموشی رکوعات را نادانی قاریان و فراموشی ثبت آن معرفی کرده؛ سخنی که کاملاً با بخش بعدی کلام وی مبنی بر اهتمام مسلمانان و اهمیت رکوعات نزد مسلمانان در تناقض است. (لسانی، ۱۴۳۶: ۷۴)

امور متواتر، موضوعاتی یقینی و غیر قابل کتمان است؛ مانند خبر از وجود شهرهای بزرگ، جنگ‌های مهم و چگونه چنین امری که سیره مسلمانان بوده، ناگهان نابود شده است. اگر چنین چیزی ممکن باشد، می‌بایست مرحوم لسانی، حداقل یک نمونه دیگر از سیره عملی مسلمانان را که ناگهان بدون دلیل متروک شده، بیان می‌کرد. یا اگر این موضوع جزء سیره متروک بوده، حداقل چند نفر دیگر مانند ایشان، مسأله اعتبار سیاق رکوعات در تفسیر را طرح کرده بودند. ایشان در پاورقی برای اثبات شهرت سیاق رکوعات، به چند کتاب ناشناخته و منابع متأخر و غیر معتبر ارجاع داده است؛ منابعی مانند: «نور ملکوت قرآن»، «الجدول النورانی»، «کنز اللطائف فیما یحتاج الیه فی بیان حروف التنزیل»، «الدیانة الاسلامیه». (همان)

در نقد این نوع استناد باید گفت اولاً برخی از این کتب به صورت صریح موضوع رکوعات را مطرح نکرده‌اند. ثانیاً هیچ کدام، مسأله اعتبار سیاق رکوعات را در تفسیر بیان نکرده‌اند، بلکه به قرائت بخش‌هایی از قرآن به‌اندازه رکوعات توصیه کرده‌اند. اینکه مرحوم لسانی چگونه از این موارد محدود، چنین شهرت و تواتری را استنباط کرده، محل اشکال است.

۳-۴. ثبت علامت رکوعات در مصاحف

علامت رکوع در همه نسخ قرآن، تا قرن پیشین مسجل و ثبت شده بوده است. (لسانی، ۱۴۳۶: ۷۵)

نقد

این ادعا نیز مانند ادعای پیشین، ادعایی بدون سند و دلایل قابل اعتناست. ایشان حتی یک تصویر از تصاویر مصاحف معتبری را که به آن اشاره می‌کند، در کتاب خود ارائه نداده است. از سوی دیگر، جست‌وجوی انجام‌شده در مصاحف مختلف معتبر از قرن اول هجری از مصاحف صنعاء، نشانگر آن است که در هیچ یک از مصاحف در موارد مشخص‌شده سیاق رکوعات توسط مرحوم لسانی، علامت (ع) وجود نداشته است. ثبت علامت رکوعات، تنها در برخی مصاحف حنفی، نمی‌تواند دلیلی بر شهرت و اعتبار رکوعات برای همه مسلمانان و در همه مصاحف قدیمی، حتی در نماز باشد، چه برسد به اعتبار این دلیل نقلی در مسأله تفسیر! در این قسمت تصاویری از نسخ خطی معتبر قرن اول هجری، در بخش رکوعات، قرار خواهد گرفت که نشان می‌دهد تعداد قابل توجهی از مصاحف قرن اول، فاقد این علامت بوده‌اند.

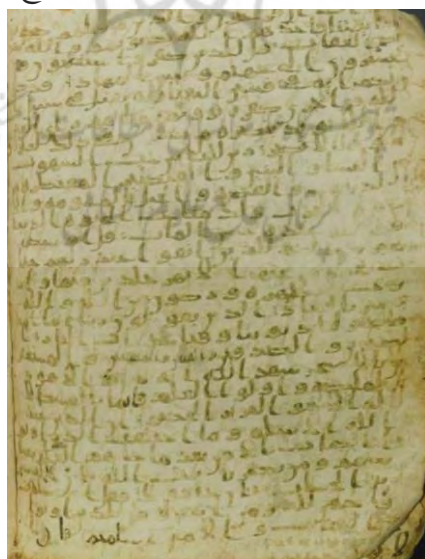
نمونه اول: طبق جدول ارائه‌شده از مرحوم لسانی، سوره بقره، آیات ۲۴۳-۲۴۸، رکوع بوده است، ولی تصویر مصحف قرن اول، فاقد علامت (ع) یا هر علامت دیگری است که مشخص‌کننده رکوعات است.



نمونه دوم: طبق جدول ارائه شده از مرحوم لسانی، سوره یونس، آیات ۱-۱۰، رکوع بوده است، ولی تصویر مصحف قرن اول فاقد علامت (ع) است.



نمونه سوم: طبق جدول ارائه شده از مرحوم لسانی، سوره آل عمران، آیات ۱۰-۲۰، رکوع بوده است، ولی تصویر مصحف قرن اول فاقد علامت (ع) است.



نمونه چهارم: طبق جدول ارائه شده از مرحوم لسانی، سوره آل عمران، آیات ۷۲-۸۰ رکوع بوده است، ولی تصویر مصحف قرن اول فاقد علامت (ع) است.



نمونه پنجم: طبق جدول ارائه شده از مرحوم لسانی، سوره مائده، آیات ۴۴-۵۰، رکوع بوده است، ولی تصویر مصحف قرن اول فاقد علامت (ع) است.



۴-۴. اهتمام مسلمانان

دلیل دیگری که مرحوم لسانی فشارکی در اعتبار سیاق به آن استناد می‌کند، این است که مسلمانان و قدما، به موضوع رکوعات و تعلیم آن اهتمام خاص داشته‌اند. (لسانی، ۱۴۳۶: ۷۵)

نقد

ادعای مرحوم لسانی بر اهتمام مسلمانان بر رکوعات درحالی است که مفسران به این مبنا در تعیین سیاق در طول تاریخ تفسیر اعتنایی نداشته‌اند، بلکه از ابزارهای زبانی برای تعیین سیاق بهره برده‌اند. (عموش، ۲۰۰۵: ۳۱۴)

۵. نقد روشی سیاق رکوعات

پس از آنکه دلایل مرحوم لسانی به صورت تفصیلی طرح و نقد شد، حال لازم است این مبنا در تعیین سیاق از جهت روشی نیز مورد نقد واقع شود. این مبنا از چند جهت با امر تفسیر از جهت روش تعارض دارد. باید توجه داشت، لازم است در هر دانشی از روش متناسب آن بهره برد. مثلاً استفاده از روش عقلی در دانش پزشکی که یک علم تجربی و مبتنی بر استقراء و مشاهده است، روشی نادرست و غیر قابل پذیرش است. و یا استناد به تجربه و استقراء در دانش فلسفه، که دانشی عقلی است، روشی ناهماهنگ است. استفاده از مبنای سیاق رکوعات، به جهات متعددی از جهت روشی در دانش تفسیر نیز یک خطای روشی است. این جهات عبارت‌اند از: روش پژوهش به کیفیت کار بست ابزار گردآوری اطلاعات، توصیف، داوری و فهم نظریه و روش‌های تولید علم در عرصه علم و معرفت بشری می‌پردازد. (پارسانیا، ۱۳۹۲: ۷-۲۸) در این قسمت باید روشن شود آیا اساساً استفاده از رکوعات قرآن به دلیل توقیفی بودن، که یک روش نقلی است، برای به دست آوردن مبنایی برای تشخیص سیاق در فرایند تفسیر یا تدبر، اقدامی روشمند و علمی به شمار می‌آید؟ برای پاسخ دادن به این پرسش، باید تعریف صحیح و مورد پذیرش از تفسیر، تدبر و سیاق ارائه شود تا صلاحیت رکوعات برای تعیین سیاق، تبیین گردد. امروزه اصطلاح تفسیر را به کشف مفهوم پنهان آیه و یا بیان مفاد استعمالی آیات و کشف مراد جدی خداوند بر اساس ادبیات و اصول عقلایی محاوره تعریف کرده‌اند. (رجبی، ۱۳۸۳: ۱۲) تدبر را نیز، فهم روشمند ظاهر قرآن برای رسیدن به مقاصد آیات و



عمل به آن تعریف کرده‌اند. (تویجری، ۱۴۳۶: ۴۱) روشن است مهم‌ترین بنیان در تفسیر و تدبر، ظواهر الفاظ است و سیاق را نیز به معنایی اطلاق کرده‌اند که از کنارهم قرارگرفتن عبارات و جملات به‌دست می‌آید. (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۸: ۱۸۸) دلیل حجیت سیاق در تفسیر، همان حجیت ظواهر الفاظ است. (دامن‌پاک، ۱۳۸۰: ۴۲) بنابراین روشن است سیاق، باید از توجه به پیوستگی معنا در عبارات و گسست آن، یعنی وحدت موضوعی یا وحدت جهت موضوعی به‌دست آید. (علوی مهر، ۱۳۸۱: ۳۳۵) سیاق، تنها از توجه به ظواهر الفاظ و با روش‌های زبانی، مانند تحلیل محتوا و توجه به غرض سوره و مؤلفه‌های انسجام متنی به‌دست می‌آید. (صباغی و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۷-۹۶) اگرچه در فرایند تدبر و تفسیر، ممکن است سایر قرائین نیز مؤثر باشد؛ مانند توجه به عناصر گفتمانی، اما بنیان تفسیر، ظواهر الفاظ است و سایر عناصر، نقش زیربنایی ندارند.

روشن است اقدام به تعیین سیاق آیات بر مبنای رکوعات، توسط مرحوم لسانی و مرادی زنجانی، جهت تسهیل فرایند تدبر در قرآن برای عموم مردم بوده است (حسینی گلکار و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۸-۱۰۰) که شاید تعیین سیاق آیات برایشان دشوار است. به گفته دکتر لسانی، اگر برداشت اشتباه صورت گیرد، آسمان به زمین نمی‌رود و زمین هم به آسمان نمی‌رود (لسانی فشارکی، ۱۳۸۹: ۳)، ولی روشن است نمی‌توان با این توجیه، در فرایند مهمی به تفسیر و یا تدبر اقدام نمود و اگر چنین فضایی برای عامه مردم باز شود، اتفاقاً آسمان و زمین به‌هم بافته می‌شود! به‌ویژه آنکه متأسفانه خطاری در عدم تدبر در آیات الاحکام به جامعه داده نشده است و امروز، نمونه‌های مختلفی از نقض قطعی احکام شرعی با استناد به آیات قرآن می‌توان در جامعه مشاهده کرد که دقیقاً مصداق تفسیر به‌رأی است و می‌توان آن را ناشی از بی‌ضابطگی فهم نصوص دینی و پروتستانیسمی دانست که برخی پیش از این، درباره امکان بروز آن هشدار داده‌اند. (حسینی گلکار و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۸-۱۰۰) بنابراین می‌توان در نقد روشی سیاق رکوعات به موارد زیر اشاره کرد.

۱- هدف از تفسیر و تدبر در قرآن، بیان معانی آیات و کسب هدایت از قرآن کریم است (تویجری، ۱۴۳۶: ۴۱) و لازمه این موضوع، پیشگیری از تحمیل پیش‌فرض‌ها بر مفسر است. (علوی مهر، ۱۳۸۱: ۲۸۲) تعیین سیاق ازپیش تعیین‌شده، چه بر مبنای رکوعات چه بر هر مبنای دیگری، از نظر روشی در فرایند تفسیر و تدبر، یک خطای روشی و خود تحمیل نوعی پیش‌فرض است.

۲- تعیین و تشخیص سیاق آیات بر اساس ظواهر الفاظ و پیوستگی کلام، وظیفه مفسر و متدبر در قرآن است که منجر به پویایی امر تفسیر و تدبر می‌گردد (خضیر، ۲۰۱۴: ۳۴)، درحالی که سیاق ازپیش تعیین شده، مانعی بر فهم پویا از قرآن است.

۳- دلایل انتخاب سیاق توسط مفسران و پژوهشگران قابل ارائه و ارزیابی است، درحالی که در رکوعات، به دلیل نقلی بودن روش تعیین سیاق، دلیل و مبنای تعیین سیاق، قابل ارزیابی نیست.

۴- سیاق رکوعات فرایند تدبر و تفسیر را به سیاق آیات محدود می‌کند، درحالی که انواع دیگری از سیاق، مانند سیاق سوره، سیاق عام و ... نیز برای فهم قرآن کریم وجود دارد. (مطیری، ۲۰۰۸: ۱۰۶-۱۱۸)

۵- برخی محققان گفته‌اند، علامت (ع) در جایی قرار دارد که معنا تمام شده است. (طیار، ۱۴۲۹: ۲۵۰) باید توجه داشت تمام‌شدن معنای یک عبارت، با سیاق بسیار متفاوت است و برابر دانستن این دو در امر تفسیر، خطایی آشکار است. تمام‌شدن معنا ممکن است با اتمام جمله تمام گردد. این مسأله ممکن است با اتمام سیاق همراه باشد، و ممکن است در میانه سیاق قرار گیرد. پس تمام‌شدن معنای جمله یا آنچه برخی درباره مقام گفته‌اند، با سیاق متفاوت است.

۶- همچنین باید توجه داشت رکوعات در همه موارد منطبق با مقام نیست و در بسیاری موارد، نه مقام و نه سیاق ملاک نیست و در موارد متعدد، تناسب حجمی مد نظر بوده است.

۷- از سوی دیگر، مقام با اتمام معنا، می‌تواند در وحدت مکانی، زمانی و گفت‌وگو رخ دهد، درحالی که سیاق اعم از مقام است و بسیار رخ می‌دهد که از نظر گستره زبانی، با سیاق مقام انطباق ندارد و در سیاق، ممکن است مقام‌های مختلفی واقع شود. (وسلاتی، ۱۴۱۵: ۶۶۳-۴۸۲)

۸- مقام همیشه قرینه لفظی نیست و ممکن است قرینه غیر لفظی باشد، درحالی که سیاق قرینه لفظی است.

دلایل مطرح‌شده نشان می‌دهد انتخاب مبنای رکوعات برای تعیین سیاق، روشی نادرست است و استفاده از روش نادرست، بی‌تردید در هر فرایندی منجر به ایجاد خطا در پژوهش می‌شود و باتوجه به اهمیت تفسیر و تدبر قرآن کریم، اصلاح این خطای روشی ضرورت دارد.



۶. نقد محتوایی

در نقد محتوایی لازم است نتایج و داده‌هایی که بر مبنای رکوعات در فرایند تفسیر و تدبر قرآن کریم به دست آمده، مورد نقد و ارزیابی قرار گیرد. در این بخش برای تشخیص این موضوع، لازم است میان دستاوردهای روش سیاق رکوعات و سیاق لفظی که توسط سایر مفسران استفاده شده، مقایسه‌ای صورت گیرد. تا اتقان و صحت نتایج کاربرد سیاق رکوعات را بتوان از جهت اطمینان‌آوری، مورد ارزیابی قرار داد.

روشن است طبق دیدگاه نگارندگان، سیاق لفظی یک امر اجتهادی است و نباید برای تعیین آن از نقل استفاده کرد و تشخیص سیاق، امری پویاست که هر مفسر و یا متدبر می‌تواند بر اساس دلایل لفظی، سیاق متفاوتی ارائه نماید. (صدر، ۲۰۰۲: ۲۸) ولی در اینجا میان سیاق لفظی یا سیاق رکوعات، از تفسیر *المیزان* که مبنای تقسیم‌بندی در آن وحدت موضوعی است، با سیاق رکوعاتی که مرحوم لسانی در کتاب خود ذکر کرده، مقایسه صورت می‌گیرد تا روشن شود آیا این مبنای تعیین سیاق، بر برداشت تفسیری از آیات تأثیری دارد. سپس بر اساس فرایند تدبر، توسط نویسندگان، فهم بر مبنای سیاق عام یا مقصد سوره ارائه می‌شود. در اینجا یک نمونه به نسبت مفصل مانند سوره فرقان، برای بررسی مبنای سیاق، انتخاب می‌شود.

۶-۱. بررسی موردی تطبیقی سیاق رکوعات و سیاق لفظی در سوره فرقان

بررسی تطبیقی سیاق رکوعات و سیاق لفظی در سوره فرقان در مرحله ابتدایی، نشان‌دهنده نکات زیر است:

۱- این سوره به شش رکوع تقسیم‌بندی شده است (۱-۹، ۱۰-۲۰، ۲۱-۳۴، ۳۵-۴۴، ۴۵-۶۰، ۶۱-۷۷) و المیزان هم آن را در شش سیاق ارائه داده است (۱-۳، ۴-۲۰، ۲۱-۳۱، ۳۲-۴۰، ۴۱-۶۲، ۶۳-۷۷).

۲- تناسب حجمی در سیاق رکوعات و عدم توجه به تناسب حجمی در سیاق لفظی:
- سیاق اول در المیزان شامل سه آیه اول است، اما رکوع اول تا آیه ۹. پس آغاز دسته‌بندی دوم متفاوت است، اما پایان سیاق دوم المیزان و رکوع دوم سوره، آیه ۲۰ است.

- هرچند آغاز دسته‌بندی سوم در المیزان و رکوع سوم آیه ۲۱ است، اما پایانی متفاوت دارند. رکوع به آیه ۳۴ و دسته‌بندی المیزان به آیه ۳۱ ختم شده است.

سه دسته‌بندی پایانی سوره نیز آغاز و پایانی متفاوت دارند. با بررسی حجمی سیاق‌ها و رکوعات در این سوره، مشاهده می‌شود که حجم سیاق‌ها در تفسیر المیزان متفاوت است. سیاق اول ۳ آیه و حجم کوتاه، سیاق دوم ۱۶ آیه با حجم نسبتاً بلند، سیاق سوم ۱۰ آیه با حجم متوسط، سیاق چهارم با ۸ آیه و حجم متوسط، سیاق پنجم با ۱۹ آیه و حجم بلند، و آخرین سیاق با ۱۴ آیه، حجم نسبتاً بلند دارد.

در این سوره هر شش رکوع دارای حجم تقریباً یکسانی هستند. اما سیاق‌ها در المیزان از نظر حجم متفاوت‌اند. تفاوت حجم سیاق و برابری تقریبی رکوعات نشان از آزادی مفسر از دغدغه حجم است که باتوجه به فهمی که از روابط و محتوای آیات داد، دسته‌بندی خود از آیات را ارائه داده است.

۳- مطالعه سیاق‌ها و رکوعات روشن می‌کند که اتصالات و پیوستگی‌های موضوعی و ادبی، و به عبارت دیگر، عوامل انسجام متنی، یعنی مؤلفه‌هایی مانند ارجاع، روابط پیوندی، مانند علت و معلول، توضیح، مناسبت، شرط، حصر و ...، بیشتر مورد توجه قرار گرفته (خانیان، ۱۳۹۷: ۵۵-۷۲) و در سیاق‌های المیزان، دقیق‌تر از رکوعات است. برای تبیین موضوع آیات، رکوعات و سیاق به صورت عینی و جزئی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۶-۱-۱. بررسی محتوایی و عوامل عدم انسجام متنی در سیاق رکوعات آیات ۹-۱

– سرفصل‌های محتوایی آیات ۹-۱

- ۱- نزول فرقان توسط خداوند بر بنده‌اش (فرقان: ۱)
- ۲- شرک ورزیدن کافران و انتخاب الهه‌های بی‌فایده (فرقان: ۳)
- ۳- شبهه کفار درباره اقتباس قرآن از آثار پیشینیان (فرقان: ۴-۵)
- ۴- پاسخ به شبهه اقتباس قرآن از کتاب مقدس (فرقان: ۶)
- ۵- شبهه کفار درباره ویژگی‌های بشر پیامبر؛ چرا فرشته‌ای بر او نازل نشده؟ گنجی به او داده نشده؟ در ادامه خداوند خطاب به رسول می‌فرماید: ببین که چگونه برای تو مثال می‌زنند (فرقان: ۷-۹).

– علت عدم وحدت موضوعی

آیات ۱-۳ و ۴-۸، درباره دو موضوع متفاوت سخن می‌گویند، درحالی که در سیاق رکوعات، این دو موضوع در یک بخش قرار گرفته‌اند. علامه، آیات ۱-۳ را در یک سیاق آورده که اتصال کامل ادبی و موضوعی دارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵/۱۷۲) همچنین از آیه



۴ که آغاز ایرادات کافران نسبت به قرآن و پاسخ به آنهاست، در سیاق جدیدی آورده و تا آیه ۲۰ ادامه داده است. این نشانگر عدم توجه سیاق رکوعات به وحدت موضوعی است.

۶-۱-۲. بررسی محتوایی و عوامل عدم انسجام متنی در سیاق رکوعات ۱۰-۲۰

- سرفصل‌های محتوایی آیات ۱۰-۲۰

- ۱- در ادامه باقی شبهات کفار، پاسخ داده می‌شود.
- ۲- وعده به عذاب مشرکان (فرقان: ۱۱-۱۴)
- ۳- وعده به پاداش متقین (فرقان: ۱۵-۱۶)
- ۴- برائت جستن الهه‌ها از اعمال کفار (فرقان: ۱۷-۱۹)
- ۵- اشاره به انبیای پیشین و بشری بودن اعمال ایشان (فرقان: ۲۰).

- علت عدم وحدت موضوعی

سیاق رکوعات آیات ۱۰-۲۰، به جهت توجه به تناسب حجمی، فاقد مطلع شروع شبهات مشرکان است و ادامه بحث را شامل می‌شود و اگر کسی به تنهایی این رکوع را بررسی کند، وحدت موضوعی و شبهات کفار را کامل ادراک نمی‌کند و دارای نقص محتوایی است. مثلاً در این بخش، پاسخ به شبهه ثروتمند نبودن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داده می‌شود، درحالی که طرح این شبهه در رکوع قبلی صورت گرفته و سبب عدم انسجام متنی در سیاق رکوعات است.

همچنین آیه ۱۰ که پاسخ به آیه ۹ است، در رکوع دوم آمده است؛ «تَبَارَكَ الَّذِي إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِنْ ذَلِكَ»، یعنی پیوند محتوایی نادیده گرفته شده است. بعضی ایرادات و پاسخ به آنها در یک رکوع و بعضی دیگر در رکوع بعدی آمده است.

۶-۱-۳. بررسی محتوایی و عوامل عدم انسجام متنی در سیاق رکوعات آیات ۲۱-۳۴

- سرفصل‌های محتوایی

- ۱- علت عدم نزول فرشتگان (فرقان: ۲۱-۲۲)
- ۲- علت عدم رؤیت پروردگار و فرارسیدن وعده الهی (فرقان: ۲۳-۳۱)
- ۳- شکایت رسول صلی الله علیه و آله درباره مهجور ماندن قرآن (فرقان: ۳۰)
- ۴- علت عدم نزول یکپارچه قرآن (فرقان: ۳۲-۳۳)
- ۵- وعده به عذاب کفار (فرقان: ۳۴).

- علت عدم وحدت موضوعی

در سیاق رکوعات، به دلیل توجه به تناسب حجمی، موضوعی که مربوط به سیاق بعدی است، در این قسمت وارد شده و آن، شبهه کفار بعد از عدم نزول یکپارچه قرآن است. درحالی که علامه این شبهات را در سیاق بعدی با دقت از یکدیگر تفکیک کرده و به صورت مجزا طرح می‌کند و به علت طرح زود هنگام بخشی از این شبهات، مجدداً رکوع بعدی را از نظر محتوایی دچار نقص می‌کند، درحالی که سیاق المیزان فاقد این نقص محتوایی و تداخل موضوعی است.

۶-۱-۴. بررسی محتوایی و عوامل عدم انسجام متنی در سیاق رکوعات ۳۵-۴۴

- سرفصل‌های محتوایی

- ۱- تذکر به انبیای گذشته موسی و هارون و اقوام نوح، عاد و ثمود و بیان سرانجام عذاب آنها (فرقان: ۳۵-۴۰)
- ۲- بیان علت عذاب اقوام کافر (فرقان: ۴۱-۴۴).

- علت عدم وحدت موضوعی

رکوع چهارم با آیات رکوع قبلی اتصال موضوعی ندارد. در این رکوع، به واو عاطفه در ابتدای آیه ۳۵ توجه نشده است. درحالی که این واو عاطفه، پاسخ به شبهه اهل کتاب به عدم نزول قرآن، به مانند الواح نازل شده به موسی عَلَيْهِ السَّلَام است که به صورت یکباره نازل شده است. بنابراین، شبهه عدم نزول قرآن و استدلال بر نزول کتاب به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام دارای وحدت موضوعی است. درحالی که در سیاق رکوعات، به این وحدت موضوعی توجه نشده است.

همچنین در این آیات نیز پیوند محتوایی نادیده گرفته شده و موضوعات انبیای گذشته با ذکر حال دشمنان پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در یک سیاق آمده است. از سویی، ادامه گفت‌وگو با منکران معاصر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در این سیاق ناتمام رها شده و بخش دیگر در سیاق بعدی آمده است. درحالی که در سیاق لفظی این مشکل وجود ندارد.

۶-۱-۵. بررسی محتوایی و عوامل عدم انسجام متنی در سیاق رکوعات ۴۵-۶۰

- سرفصل‌های محتوایی

- ۱- اشاره به مظاهر ربوبیت الهی در عالم هستی (فرقان: ۴۵-۵۰)
- ۲- نهی از تبعیت از کافران و لزوم جهاد با کفار (فرقان: ۵۱-۵۲)



۳- عدم تبعیت کافران از فرمان الهی و عدم تواضع ایشان (فرقان: ۵۴-۵۵)

۴- بیان وظایف پیامبر اکرم ﷺ و مؤمنان (فرقان: ۵۶-۵۸)

۵- بیان ویژگی‌های مؤمنان و دعای ایشان (فرقان: ۵۹-۷۷).

- علت عدم وحدت موضوعی

سیاق رکوعات در این بخش نیز نقص مفهومی دارد و پاسخ به استهزای کفار برای لزوم تعبد در برابر خداوند و استدلال به قدرت در خلقت ستارگان، ماه و شب و روز را شامل نمی‌شود. به صورت کلی، در این بخش نیز، سیاق رکوعات، پاینده به تناسب حجمی است و سیاق لفظی علامه، گستره وسیع‌تری از آیات ۴۱ تا ۶۲ را شامل شده و مشکل نقص محتوایی سیاق رکوعات را ندارد.

۶-۱-۶. بررسی محتوایی و عوامل عدم انسجام متنی در سیاق رکوعات ۶۱-۷۷

- سرفصل‌های محتوایی

۱- اشاره به مظاهر قدرت الهی در خلقت.

۲- وصف بندگان خداوند و تواضع ایشان و ذکر پاداش برای ایشان.

۳- وصف مشرکان و گناهکاران و تهدید به عذاب دردناک برای ایشان.

- علت عدم وحدت موضوعی

در این سیاق آیات مربوط به خلقت مطرح شده که مربوط به سیاق پیشین است و انسجام متنی با موضوع بعد ندارد، در حالی که علامه اوصاف عباد الرحمن را برمی‌شمارد. علامه آیات ۶۳ تا ۷۷ را سیاق پایانی این سوره دانسته است. در سیاق پایانی، اوصاف عباد الرحمن و سرانجام نیک اخروی ایشان بیان شده است که تقابل با مکذبان است که از آنها و ایراداتشان به رسالت و قرآن سخن گفته شد. همچنین دو آیه اول با بقیه آیات رکوع، ارتباط موضوعی و پیوند محتوایی ضعیفی دارد و بهتر آن بود که شروع رکوع آخر از آیه ۶۳ می‌بود. آیه ۶۶ با آنها شروع شده که تعلیل آیه قبلی به‌شمار می‌رود.

۶-۱-۷. جمع‌بندی نقد محتوایی مقایسه سیاق رکوعات و سیاق لفظی

در نهایت در مقایسه میان رکوعات و سیاق المیزان در سوره مبارکه فرقان، همان گونه که ملاحظه شد، دسته‌بندی المیزان از نظر ادبی و موضوعی نسبت به دسته‌بندی رکوعات دقیق‌تر است و از جهت وحدت موضوعی ترجیح دارد. المیزان یکی از تفاسیری است

که رویکرد سیاقی دارد. چه بسا تفاسیر دیگری که چنین رویکردی دارند نیز بتوانند سیاق‌های دقیق‌تری نسبت به سیاق رکوعات از سوره‌ها ارائه دهند.

رکوعات هرچند به آیات نگاه محتوایی دارد، اما برای هدفی دیگر، یعنی قرائت در نماز تراویح ایجاد شده است. بنابراین حجم در آن موضوعیت دارد. به همین دلیل، رکوعات حجم تقریبی یکسانی دارد. چه بسا به خاطر رعایت این مسأله، پیوست‌های موضوعی و ادبی چنانکه باید، مورد توجه قرار نگرفته است؛ همان گونه که در سوره مبارکه فرقان مشاهده شد.

جدول مقایسه سیاق رکوعات و سیاق لفظی سوره فرقان

سیاق لفظی	سیاق رکوعات
انسجام متنی و وحدت موضوعی (۳-۱)	تداخل دو موضوع در یک سیاق (۹-۱)
انسجام متنی و وحدت موضوعی (۲۰-۴)	عدم انسجام متنی و وحدت موضوعی (۲۰-۱۰)
انسجام متنی و وحدت موضوعی (۳۱-۲۱)	تداخل دو موضوع در یک سیاق (۳۴-۲۱)
انسجام متنی و وحدت موضوعی (۴۰-۳۲)	عدم انسجام متنی و وحدت موضوعی (۴۴-۳۵)
انسجام متنی و وحدت موضوعی (۶۲-۴۱)	عدم انسجام متنی و وحدت موضوعی (۶۰-۴۵)
انسجام متنی و وحدت موضوعی (۷۷-۶۳)	تداخل دو موضوع در یک سیاق (۷۷-۶۱)

بعد از نقد محتوایی عینی بررسی کارکرد سیاق رکوعات در تفسیر، مهم‌ترین نقدی که به این مبنا می‌توان وارد کرد، این است که برخلاف هدف مرحوم لسانی، این نوع تقسیم‌بندی نه تنها منجر به فهم هدف و غرض سوره فرقان نشد، بلکه به جهت مبنای نادرست، خود به مانعی در فهم تبدیل گردید؛ زیرا توجه به وحدت موضوعی می‌تواند نشان دهد خداوند در سوره فرقان، با هدف هدایت‌گری کفار «قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامَا» (فرقان: ۷۷)، به شبهات ایشان درباره پیامبر ﷺ و قرآن پاسخ می‌دهد. این شبهات از ابتدا تا انتهای سوره ادامه دارد و خداوند بر اساس مبانی و روش بیان الهی، استدلال‌های باطل ایشان را آسیب‌شناسی می‌کند. سعید حوی نیز در تفسیر خود به سیاق لفظی علامه توجه داشته و از آن در تفسیر خود استفاده کرده است. (حوی، ۱۴۲۴: ۳۳۸/۷)

نتیجه گیری

۱- توسعه فرهنگ دینی و قرآنی، در گرو توسعه آموزش تفسیر و تدبر و مفاهیم قرآن کریم، برای احاد جامعه اسلامی است. دغدغه‌مندان تدبر قرآنی، برای جلوگیری از تفسیر به‌رأی یا فهم نادرست آیات، توجه به سیاق آیات را به‌عنوان یک ضرورت فهم قرآن کریم، مورد تأکید قرار داده‌اند. اما برخی از قرآن‌پژوهان معاصر، همچون مرحوم لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، برای تسهیل امر متدبران، سیاق رکوعات را به‌عنوان سیاق آیات، مبنای کار قرار داده‌اند.

۲- سیاق رکوعات، نوعی تقسیم‌بندی برای آیات در نماز تراویح اهل سنت بوده است. عمرین خطاب برای اهتمام به نص قرآن کریم و تثبیت مصاحف مجرد از روایات و در راستای سیاست قرآن‌بسندگی، بدعت نماز تراویح را در ماه رمضان قرار داد که کل قرآن کریم، در ۲۷ شب در قالب ۵۴۰ بخش، در نمازها خوانده می‌شد. این تقسیم‌بندی در نماز تراویح، در زمان حجاج تثبیت شد و تقسیم‌بندی قرآن به ۳۰ جزء صورت گرفت و سیاست مصاحف عثمانی، با جدیت پیگیری شد. قرائت نماز تراویح و مصاحفی که رکوعات در آن با علامت (ع) مشخص بود، در میان حنفی‌ها، به‌ویژه در برخی مصاحف هندی باقی ماند، ولی با سپری شدن سلطه حکومت اموی و عباسی، این تقسیم‌بندی هم از رواج افتاد و کسی به آن توجه نکرد.

۳- تقسیم‌بندی قرآن به رکوعات، یک تقسیم‌بندی حجمی و گاه موضوعی برای قرائت در نماز بوده است. رکوع، در هنگام اتمام معنا، صورت می‌گرفته است. مرحوم لسانی فشارکی، این تقسیم‌بندی را برای تعیین سیاق در نظر گرفته و روش تدبری خود را که روشی نسبتاً گسترده در ایران است، بر اساس سیاق رکوعات قرار داده است.

۴- انتخاب رکوعات به‌عنوان مبنای تعیین سیاق، یک خطای راهبردی در تفسیر است که از جهت روش و از جهت محتوا قابل نقد است. رکوعات یک بدعت بوده و حتی بر فرض تصور صحت انتساب آن به رسول اکرم صلی الله علیه و آله، مبنایی برای تقسیم‌بندی قرآن در قرائت نماز بوده است. درحالی که در تفسیر باید سیاق بر مبنای وحدت موضوعی صورت گیرد و انتخاب یک روش نقلی برای یک موضوع لفظی، خطایی روشی در فرایند فهم قرآن کریم است. تقریباً هیچ مفسری در فرایند تفسیر، به سیاق رکوعات به‌عنوان مبنای تعیین سیاق، اعتنایی نداشته است.



۵- در نقد محتوایی، در اجرای یک فرایند فهم و تدبری، در یک نمونه عینی و عملی و مقایسه سیاق رکوعات با سایر تقسیم‌بندی‌ها بر مبنای وحدت موضوعی و سیاق لفظی روشن می‌شود:

الف) سیاق رکوعات در بخشی از قسمت‌ها در سوره فرقان، فاقد مؤلفه‌های انسجام متنی است.

ب) سیاق رکوعات خود مانع فهم جدید از قرآن کریم است و متدبر و مفسر باید با درنظر گرفتن وحدت موضوعی و سیاق لفظی، اقدام به فهم قرآن نماید.

ج) توجه به مسأله وحدت موضوعی، می‌تواند رویکردهای تفسیری و تدبری مختلفی به سوره‌های قرآن کریم به همراه داشته باشد.

۶- در یک حرکت تدبری در یک سوره، برداشتی متفاوت را می‌توان بر مبنای گستره سیاق و وحدت موضوعی در یک سوره ارائه نمود. روشن است این تنها فهم از سیاق سوره و یک فهم قطعی نیست و قطعاً قابل نقد است.

متدبران و مفسران قرآن، با نگرش‌های متفاوت و دقت در مفاهیم سوره‌ها، می‌توانند سیاق‌های لفظی دیگری را نیز در آنها تشخیص بدهند. برخی بر این باورند که سوره‌های قرآن کریم از جهت سیاق لفظی، وجوه مختلفی را برمی‌تابد و با رویکردهای مختلف می‌توان تبیین‌های متفاوتی از سیاق لفظی سور ارائه کرد (خامه‌گر، ۱۳۸۶: ۲۶)؛ امری که در طول تاریخ تفسیر درباره قرآن کریم رخ داده و اولاً دلیلی برای حصر سیاق سوره‌ها بر یک شکل خاص وجود ندارد، ثانیاً این سیاق باید بر مبنای وحدت موضوعی باشد، نه یک مبنای نقلی مانند سیاق رکوعات.

پی‌نوشت

۱- «فقال عمر: إني أرى لو جمعت هؤلاء على قارئ واحد لكان أمثل». این نشان‌دهنده آن است که هدف عمر بن خطاب از نماز تراویح، یکسان‌سازی قرائت جامعه اسلامی بوده است.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی شیبہ (۱۴۰۹ق)، المصنف، بیروت: دارالفکر.
۳. ابن جریر، عبدالله بن عبدالرحمن (بی تا)، فتاوی الشیخ ابن جریر، بی جا: بی نا.
۴. ابن عساکر (۱۴۱۵ق)، تاریخ مدینه دمشق، بیروت: دارالفکر.
۵. ابن کثیر، عبدالله (۱۴۰۸ق)، البداية و النهایة، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دارصادر.
۷. اندلسی، سلیمان بن نجاح (۱۴۲۳ق)، مختصر التبیین لهجاء التنزیل، مدینه: مجمع ملک فهد.
۸. باردن، لوئیس (۱۳۷۵)، تحلیل محتوا، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۹. باقری، جعفر (۲۰۰۷)، صلاة التراویح سنة مشروعة او بدعة محدثه، نجف اشرف: مرکز ابحاث الاعتقادیة.
۱۰. پارسانیا، حمید (۱۳۹۲)، «روش شناسی بنیادین تکوین نظریه های علمی»، راهبرد فرهنگ، شماره ۲۳، ص ۷-۲۸.
۱۱. پاک دامن، ناهید (۱۳۸۰)، بررسی نظریه عرفی بودن زبان قرآن، تهران: نشر تاریخ و فرهنگ.
۱۲. تنکابنی، محمد بن عبدالفتاح (۱۴۱۹ق)، سفینه النجاة، قم: انتشارات امیر.
۱۳. توران پستی، میثم و همکاران (۱۴۰۰)، «رکوعات قرآنی»، مطالعات قرآن و فرهنگ اسلامی، سال پنجم، شماره ۱، ص ۸۷-۱۰۸.
۱۴. توکلی، محسن (۱۳۹۹)، «بررسی ابعاد کارکرد زیباشناختی و پاراگراف بندی متن قرآن کریم»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۲، ص ۳۳-۶۳.
۱۵. تویجرى، عبداللطیف (۱۴۳۶ق)، تدبر القرآن الکریم، ریاض: دار المناهج.
۱۶. جماعلی حنبلی، عبدالرحمن بن محمد (بی تا)، الشرح الکبیر علی متن المقنع، بیروت: دارالکتاب العربی.
۱۷. حریری، محمدیوسف (۱۳۸۴)، فرهنگ اصطلاحات قرآن، قم: هجرت.
۱۸. حسینی گلکار، مصطفی و همکاران (۱۳۹۴)، «نقد و بررسی رویکرد تحقیق در قرآن کریم»، پژوهش های میان رشته ای قرآن کریم، شماره ۱، ص ۴۹-۶۴.
۱۹. حسینی گلکار، مصطفی همکاران (۱۳۹۴)، «چالش های رویکرد تحقیق موضوعی در قرآن کریم»، روش شناسی مطالعات دینی، شماره ۲، ص ۸۸-۱۰۰.
۲۰. حسینی میلانی، سیدعلی (۱۴۱۴ق)، نفحات الازهار، تهران: انتشارات مهر.
۲۱. حمود، فهد (۲۰۱۴)، نقد خارطة نظریة المدار، بیروت: الشبكة العربیة للابحاث.
۲۲. خامه گر، محمد (۱۳۸۶)، ساختار هندسی سور قرآن کریم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۳. خانیان، حمید (۱۳۹۷)، «واکاوی عوامل انسجام متنی در شعر «عقاب»»، زبان و ادبیات غنائی، شماره ۲۶، ص ۵۵-۷۲.
۲۴. خرمشاهی، بهاء الدین (۱۳۸۲)، درآمدی بر تاریخ قرآن، قم: مرکز ترجمه قرآن.

۲۵. خضیر، علی حمید (۲۰۱۴)، دلالة السياق في النص القرآني، دانمارك: الأكاديمية العربية.
۲۶. داجوی، حمدالله جان (۱۴۱۸ق)، ربط الركوعات و السور، پاکستان: کتابخانه مظهری.
۲۷. درودی، فریبرز (۱۳۹۳)، «درآمدی بر انواع نقد و کارکردهای آن»، اطلاع رسانی و ارتباطات، شماره ۳ و ۴، ص ۲۲۱-۲۳۴.
۲۸. دیوبندی، حسن (۱۳۸۵)، تفسیر کابلی، تهران: نشر احسان.
۲۹. رجبی، محمود (۱۳۸۳)، روش تفسیر قرآن، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۳۰. رستمی، علی اکبر (۱۳۸۰)، «آسیب شناسی روایات تفسیری»، پژوهش های قرآنی، شماره ۲۵ و ۲۶، ص ۳۲۲-۳۴۳.
۳۱. زارع زردینی، احمد و همکاران (۱۳۹۸)، «چینش آیات در رکوعات قرآنی»، پژوهش های زبان شناختی، شماره ۲، ص ۷۳-۹۴.
۳۲. زیعلی، محمدبن عبدالله (۱۴۱۸ق)، نصب الراية لاحاديث الهداية، بيروت: مؤسسة الريان.
۳۳. سبحانی، جعفر (۱۴۱۶ق)، البدعة مفهومها و حدها و آثارها، قم: انتشارات اعتماد.
۳۴. سبحانی، جعفر (۱۴۲۳ق)، الانصاف في مسائل الخلاف، قم: نشر اعتماد.
۳۵. سرخسی، محمدبن احمد (۱۴۰۶ق)، المبسوط، بيروت: دارالمعرفة.
۳۶. سغدی حنفی، علی بن الحسین (۱۴۰۴ق)، التفت في الفتاوى، اردن: دار الفرقان.
۳۷. سیفی مازندرانی، علی اکبر (۱۴۲۸ق)، دروس التمهيدية في القواعد التفسيرية، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۳۸. شاخت، یوزف (۱۳۸۸)، مقدمه ای بر حقوق اسلامی، ترجمه مرادی، تهران: نشر دادگستر.
۳۹. شریف مرتضی، علی بن الحسین (۱۴۰۵ق)، الرسائل، قم: دارالقرآن الکریم.
۴۰. شهرستانی، سیدعلی (۱۴۲۰ق)، وضوء النبی، مشهد: مدرسه الامام الجواد (علیه السلام).
۴۱. شهید ثانی، محمدبن حسن (۱۴۲۰ق)، استقصاء الاعتبار، قم: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام).
۴۲. صباغی ندوشن، مریم و همکاران (۱۳۹۹)، «رهیافتی به گونه های سیاق»، فقه و اصول، شماره ۱۲۰، ص ۷۷-۹۶.
۴۳. صدر، محمدباقر (۲۰۰۲)، منة المنان في الدفاع عن القرآن، بيروت: دارالاضواء.
۴۴. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان في تفسير القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۵. طبسی، نجم الدین (۱۴۲۱ق)، دراسات فقهية في مسائل الخلافة، قم: بوستان کتاب.
۴۶. طوسی، محمدبن حسن (بی تا)، التبیان في تفسير القرآن، بيروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۷. طیار، مساعدن سلیمان (۱۴۲۲ق)، المحرر في علوم القرآن، بيروت: مركز الدراسات القرآنية.
۴۸. عاملی، سید جعفر مرتضی (۱۴۲۰ق)، الصحيح من سيرة النبی الاعظم (علیه السلام)، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۹. عربی، محمدغازی (۱۴۲۶ق)، التفسير الصوفي الفلسفي للقرآن الکریم، دمشق: دار البشائر.
۵۰. علوی مهر، حسین (۱۳۸۱)، روش ها و گرایش های تفسیری، قم: اسوه.



۵۱. عموش، خلود (۲۰۰۵)، الخطاب القرآنی، اردن: عالم الكتب الحديث.
۵۲. غضنفری، علی (۱۳۸۸)، مبانی تشیع در منابع تسنن، قم: اسوه.
۵۳. فضل الله، سید محمدحسین (۱۴۱۹ق)، من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک.
۵۴. قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰-۱۳۹۴)
۵۵. کاشف الغطاء، جعفر (۱۴۲۲ق)، کشف الغطاء، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۵۶. لسانی فشارکی، محمد علی (۱۳۸۹)، «تدبر در قرآن»، رشد آموزش قرآن، شماره ۲۹، ص ۳-۹.
۵۷. لسانی فشارکی، محمد علی (۱۴۳۶ق)، مناهج البحث فی القرآن الکریم، قم: مرکز العالمی المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم.
۵۸. محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۲۱ق)، المسلك فی اصول الدین، مشهد: مجمع البحوث العلمیه.
۵۹. محمد ابوموسی، محمد (۱۹۹۸)، البلاغة القرآنية فی تفسیر الزمخشری، قاهره: مكتبة وهبه.
۶۰. مستفید، حمیدرضا (۱۳۸۴)، تقسیمات قرآنی و سور مکی و مدنی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.
۶۱. مطیری، عبدالرحمن (۲۰۰۸)، السياق القرآنی و اثره فی التفسیر، مکه: جامعة ام القرى.
۶۲. معاونت قرآن و عترت اداره کل ارتباطات و هماهنگی (۱۳۹۹)، گزارش عملکرد و ارزیابی فعالیتهاى قرآنی دستگاههاى کشور، ص ۱-۲۹۹.
۶۳. نووی، یحیی بن شرف (۱۹۸۷)، شرح صحیح مسلم، بیروت: دار الكتاب العربی.
۶۴. وسلاتی، بشیر (۱۴۳۵ق)، «سياق المقام والمقال فی الخطاب»، اللغة والادب، شماره ۲۱، ص ۴۶۳-۴۸۲.
۶۵. هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵ق)، کتاب سلیم بن قیس هلالی، قم: دارالهادی.